

البته چنانکه در فوق اشاره شد مدیران نبایستی عقاید خود را بر معلمین تحمیل کنند ولی معلمین نیز نباید همیشه در صدور عقاید مدیر و مخالفت با وی باشند، مخصوصاً در دبستانها که غالباً مدیران کار آزموده تر و با تجربه تر از معلمینند و عقاید ایشان مبتنی بر تجارب گذشته است. اصولاً اگر میان معلم و مدیر یگانگی و صفا و اعتماد نباشد بنیان کار مدرسه متزلزل و ناستوار خواهد بود پس طرفین باید حتی الامکان بکوشند که اختلاف عقیده و روش ایشان در کار تعلیم موجب رنجش و خصومت نشود و اگر هم احیاناً بین ایشان کدورتی حاصل شده بدان تظاهر نکنند و مخصوصاً در برابر شاگردان احترام یکدیگر را مرعی دارند و گونه باید گفت که در کار خود خیانت کرده و برخلاف وظیفه باطفال درس بی ادبی داده اند.

در مدرسه معلمین باید از تبلیغات سیاسی و مذهبی و شخصی و تمجید یا تکذیب از اشخاص و بحث در اموری که مربوط بدرس ایشان نیست اجتناب کنند. مداخله در درس سایر معلمین نیز بسندیده نیست و حتی برای رعایت احترام همکاران هر معلمی باید از جواب گفتن بسئوالانی که شاگردان در باره درس معلمین دیگر میکنند خودداری کند و جواب آنها را بمعلم مخصوص آن درس حواله دهد، چه غالباً شاگردان اینگونه سئوالها را وسیله ایجاد نفاق و بدبینی بین معلمین میسازند تا خود در آن میان فائده ای برند.

معلم باید در کلاس نسبت بشاگردان خود عادل و منصف و بیغرض باشد و در روابط خود باشاگردان فقط کار و کوشش و اخلاق ایشان را اساس مهربانی و تشویق یا ناخرسندی و تنبیه قرار دهد.

يك نکته مهم
گاه مشاهده شده است که برخی معلمین و مدیران بقصد اطلاع یافتن از کردار و رفتار همکاران خود شاگردان را بجاسوسی و خبر چینی گماشته اند. بعقیده نگارنده اینکار سخت ناپسند و کاملاً برخلاف اصول اخلاق و تربیت است. اگر فی المثل مدیر مدرسه یکی از شاگردان را در کلاس جاسوس خویش سازد و یا آنچه او از کردار و رفتار معلمین نقل می کند اعتماد نماید و اقوال او را اساس نظر و رفتار خویش نسبت بمعلمین قرار دهد چندین گناه بزرگ

کرده است: یکی آنکه بنیان عقیده و ایمان شاگرد را بحسن اداره و رفتار معلم مست
نموده و از قدر و مقام معنوی معلم در چشم وی کاسته است. دیگر آنکه شاگرد را
بر معلم گستاخ کرده و حربه ای بدست او داده است که اگر بعلمت از معلم خود رنجیده
خاطر شد میتواند او را بدروغ متهم سازد و بخیال خود از وی انتقام گیرد. سوم آنکه
بشاگرد درس دورویی و جاسوسی داده است و این بزرگترین گناهان اوست، چه
شاگردی که در مدرسه جاسوس مدیر یا معلم باشد پس از مدرسه نیز از جاسوس
بیگانگان شدن باکی نخواهد داشت. چهارم آنکه با رجوع چنین ماموریتی بشاگرد
عدم اعتماد و بدبینی خود را نسبت بمعلمین آشکار ساخته و اساس صفا و یگانگی و
حسن ظنی را که بین کارکنان مدرسه باید موجود باشد و مخصوصا معتقد بودن محصلین
بدان برای حفظ انتظامات مدرسه واجبست، متزلزل کرده. پنجم آنکه برخلاف مقررات
مدرسه بایک یا چند شاگرد از در دوستی در آمده و ایشان را پشتیبانی و طرفداری خود
برخلاف قوانین مدرسه امیدوار و از توجه کامل بدرس منحرف ساخته است، چه شاگردیکه
جاسوس مدیر یا معلمی باشد البته انتظار دارد که اگر از عهده امتحان بخوبی بر نیامد
مدیر با او مساعدت کند و اگر در درس معلمی که خبیر چنین اوست ضعیف بود آن معلم از
نمره خوب دادن بوی دریغ ننماید.

مدیر مدرسه باید تا خطای صریحی از معلمین ندیده است بر ایشان بدیده اعتماد
و نیک بینی بنگرد و پای بند گمانهای بیجا و تصورات باطل نگردد معلمین نیز باید نسبت
بمدیر مدرسه و یکدیگر نیک بین و خیر خواه و مهربان باشند و از حسادت و کینه و
بدخواهی و رقابت پرهیزند.

۳ - وظائف معلمین در خارج مدرسه

در تمام دنیا معلمی یکی از شریفترین و محترمترین کارهاست و به همین سبب
تکالیف معلم از جهات اخلاقی و اجتماعی از سایر مردم سنگین تر است. خانواده ها و
افراد مملکت چون عزیزترین چیز خود یعنی اطفال خویش را بدست معلمین میسپارند
از ایشان توقعات مخصوص دارند و معلم ناگزیر بایستی توقعات ایشان را رعایت کند
و حتی الامکان بکوشد که از خرده گیری و تیغ زدن مردم برکنار باشد.

۱- معلم باید بداند که نظر تمام اطفال و اولیاء ایشان متوجه رفتار و کردار اوست و اگر در اخلاق او انتقادی شود که بحقیقت نزدیک باشد بنیان عقیده همگی نسبت بمضائل اخلاقی وی سست خواهد گشت و موافق نبودن گفتار او در مدرسه بارفتار خارج در شاگردان تاثیر بد خواهد داشت.

معلم اگر متاهلست باید نظم و ترتیب خانه و رفتار خانواد گیش سر مشق دیگران باشد و اگر فرزندانى دارد باید در حسن تربیت و رفتار و با کیز گى انگشت نما باشند و گرنه معلمى که تواند اطفال خود را تربیت کند دیگران در تربیت اطفال خود از چه توقعى میتوانند داشت ؟

۲- در پوشیدن لباس باید حتى الامکان سادگى و قاعدهء مردم بسند و پاکیز گى را رعایت کند. نه چنان در لباس پوشیدن بیقید و سهل انگار باشد که مردم بر وضع نامناسب او بخندند و نه چنان خود را بیاراید و لباسهای رنگارنگ در بر کند که برو خرده گیرند. مخصوصا خانمهایی که مقام معلمی دارند باید در طرز آرایش و انتخاب لباس و رفتار خویش دقت بسیار کنند تا زبان مردم در عیبجویی از ایشان کوتاه گردد.

۳- معلم باید در معاشرت و مصاحبت از خود ستائی و فضل فروشی و انتقاد گفتار مردم و نکته گیری خود داری کند و معلومات خویش را برخ دیگران نکشد. چه درینصورت گذشته از آنکه برخلاف ادب رفتار کرده است قلوب مردم را از خود آزوده و متنفر و خویشان را در چشم دیگران زشتخو و متکبر و غیر قابل معاشرت معرفی خواهد کرد. ضمنا باید گفت که فضل فروشی دلیل بیماریگی است.

۴- معلمین و مخصوصا آموز گاران در شهر های کوچک و قصبات باید با اولیاء اطفال مربوط و آشنا باشند تا چنانکه در فصول گذشته اشاره کردیم بدینوسیله از طرز رفتار و کار ایشان در خانه آگاه شوند و با معاونت اولیاء در رفع نقایص کار شاگردان بکوشند. ولی درین امر نیز محتاط باید بود و عموم خانواده را بیک نظر باید نگریست و گرنه اگر آموز گاری بایک خانواده بیشتر آمد و شد کند ممکنست دیگران بد گمان شوند و او را متهم سازند که در لاس با اطفال دوستان خود مهربانتر است.

۵- معلمین باید حتى الامکان از مداخلهء مستقیم در امور سیاسی اجتناب کنند

البته معلم هم از نظر اینکه یکی از افراد ملتست از حقوق مدنی و ملی خویش، مانند حق انتخاب و کیل و انتخاب شدن و امثال آن باید استفاده کند ولی فی المثل در انتخابات برای اشخاص تبلیغ کردن و در انجمنها و محافل سیاسی بسخن برخاستن و در مجادلات و اختلافات حزبی شرکت کردن با کار معلمی سازگار و مناسب نیست زیرا اینگونه کارها معلم را از وظیفه مقدسی که به عهده گرفته است منحرف میسازد و ممکنست که بواسطه ورود در احزاب و طرفداری از جمعی بر ضد جمع دیگر در صداقت و آزادی فکری خود پایدار نماند و احیاناً در تعلیم شاگردان نیز بطرفداری حزب خوش از بیان حقیقت منحرف شود. ازین گذشته مداخله در اختلافات سیاسی جمعی را با او دشمن خواهد ساخت و داشتن دشمنان و بدخواهان متعدد او را از آسایش خیال که در کار تعلیم بسیار لازم و گرانبهاست محروم خواهد کرد.

۶ - معلمین حتی الامکان از فروش کتب درسی و لوازم التحریر و امثال آن بقبول نمایندگی کتابخانهای که کتب درسی میفروشند باید احتراز کنند و اگر هم کتابی در یکی از مواد دروس مدرسه تألیف کرده اند فروش آنرا بکتابخانه‌ها محول سازند و خود از فروختن کتاب یادقتر مشق و نقاشی و امثال آن در مدرسه اجتناب نمایند.

۷ - در میان معلمین اصولاً بایستی روح بیگانگی و صفا و اتحادی موجود باشد. از انتقاد کاریکدیگر مگر در مواقعی که مأوریت رسمی از طرف ادارات مخصوص داشته باشند پرهیز کنند و از مداخله در کار همکاران و تحقیر کردن یا نکته‌گیری از رفتار و طرز تدریس یکدیگر یا موافقت با اظهاراتی که شاگردان برای خوش آمد معلمی از معلم دیگر می‌کنند خودداری نمایند.

۸ - البته معلمین در خارج از مدرسه در اعمال و افعال خویش مانند سایر مردم تاحدی که مقررات عمومی اجازه میدهد آزادند ولی چون شاگردان مراقب طرز رفتار و حرکات ایشانند و غالباً از آنان تقلید می‌کنند باید پیش از سایر مردم در رعایت آداب اجتماعی بکوشند و تظاهر با اعمالی را که از طبقه ایشان شایسته نیست جایز شمارند و بیوسنه جانب‌مناات و ادب را نگاهدارند.

۴- مدرسه باید از لحاظ دینی و سیاسی بیطرف باشد

مدرسه محلیست که اطفال عموم رعایای مملکت از مسلمان و کبر و عیسوی و یهودی در آنجا برای تحصیل گرد می آیند و نیایستی بین ایشان بواسطه اختلاف دینی تفاوتی نهاد. بنابراین کار کنان مدرسه باید بر تمام شاگردان از کبر و یهود و عیسوی و مسلمان بیک دیده بنگرند و تعصبات دینی را در امر تعلیم و تربیت اجازه مداخله ندهند. در کلاس نیز معلمین باید جز در درس مخصوص شریعت از ورود در مباحثات دینی یا انتقاد مذاهب و تبلیغات مذهبی خود داری کنند. همچنین ورود در مسائل سیاسی روزانه و اظهار عقیده در اینگونه مسائل که بامدرسه ارتباطی ندارد پسندیده نیست. مدرسه خانه عموم ابناء و وطنست و در آنجا از مسائلی که موجب اختلاف و مایه نفاقست سخن نباید گفت.

ولی باید دانست که مدرسه در مسائل ملی و نژادی آنچه مربوط بتعریف و اثبات عظمت تاریخی ایران و اهمیت نژاد ایرانیست بطرف نمی تواند بود و معلمی که درین آب و خاک پرورش یافته و بفرزندى مردان گذشته این سرزمین افتخار می کند باید دهان جز در مدح و ستایش وطن نگشاید و لب از بیان افتخارات ایران عزیز و مقام بلندی که در تمدن بشری داشته و دارد فرو نیندند. بیطرفی اختیار کردن در وطن پرستی و ملیت مخصوصاً از جانب معلمین که تربیت کنندگان نسل آینده ایرانند حیاتی بخشش ناپذیر است؛ چه این امر اطفال امروز و مردان آتی را نسبت بوطن و ملیت و شخصیت نژادی بیعلاقه و سست ایمان می کند و بنیان استقلال مملکت را متزلزل میسازد. معلمین باید در ایجاد وطن پرستی و ایران دوستی در شاگردان خود سخت متعصب باشند و حتی این امر را بر تمام وظائفی که شغل مقدس معلمی برعهده ایشان نهاده است مقدم شمارند.

۵- شورای معلمین

بموجب نظامنامه مخصوص دبستانها و دبیرستانها لااقل ماهی یکبار بایستی شورای معلمین تشکیل شود. این شوری برای آنست که معلمین از انزوا و تنهایی که در کار تعلیم و تربیت و غالب امور اجتماعی پسندیده نیست بیرون آیند و باتبادل

افکار و نظرات خویش هم یکدگر را بهتر بشناسند و هم آراء و عقاید گوناگون خود را در هر يك از امور تعليم و تربيت بصورت رأی و عقیده ثابت و مشترکي که بحال مدرسه و شاگردان مفید باشد در آورند.

مسائلي که در شوراي معلمين طرح ميشود بايد مربوط بقسمت تعليم و تربيتي مدرسه باشد و شوروي نبايد در امور اداري مدرسه که مسئوليت آن فقط باشخص مدير است مداخله کند، مگر اينکه مدير در انجام وظائف اداري خود و حفظ انتظامات مدرسه قصور کرده و قصور او در امور تعليم و تربيتي مؤثر واقع شده باشد که البته در اينصورت معلمين بايد او را در شوروي بقصور خود متوجه سازند.

مسائل مهمي که بايد در شوراي معلمين طرح شود بيشتر از قبيل تنظيم مقررات داخلي مدرسه، تعيين ساعات دروس معلمين، انتخاب کتب تحصيلي، مطالعه در روشهاي مختلف تعليم، ترتيب کتابخانه و موزه مدرسه، مذاکره در تشبيه شاگردان مقصر يا تشويق شاگردان ساهي، تهيه موضوع براي امتحان داخلي، مراقبت در حسن حريان امتحانات، تهيه خطابه‌هاي علمي و اخلاقي و صحتي، تبادل افکار در پيشرفت دروس، مذاکره و اظهار رأي در ارتقاء محصيليني که بموجب نظامنامه مستحق آن ميشوند، و امثال آنست که در نظامنامه‌هاي دبستان و دبیرستان تعيين شده است.

در شوروي معلمين عقايد خود را در هر باب با آزادي کامل بايد اظهار کنند ولي حتي الامکان از مشاجره بپرهيزند و در اظهارات خویش فروتنی و ادب را مرعي دارند. پس از آنکه امري بتصويب اکثریت اعضاء شوروي رسيد بايستی از جانب تمام اعضاء اعم از مخالف و موافق محترم شمرده شود و کسانی هم که با آن مخالف بوده و در اقلیت واقع شده‌اند در اطاعت و اجراي تصميم شوروي کوتاهی نکنند.

فصل بیست و پنجم

امور تکمیلی مدرسه

امور تکمیلی مدرسه چنانکه از اسم آنها برمی آید اموری است که کار مدرسه را کامل میکند و عمل سودمند و مفید آنرا بادوامتر و استوارتر میسازد، و این گونه امور را وظائف اضافی مدرسه نیز میتوان خواند.

شاگردان دبستان معمولاً در سیزده سالگی تحصیلات ابتدائی خود را پایان میبرند و غالباً پس از اتمام تحصیلات ابتدائی از ادامه تحصیل در دبیرستانها خود داری کرده دنبال کسب و کار پدری از قبیل کارگری در کارخانهها و صنعتگری یا زراعت و امثال آن میروند. البته دبستان در اذهان ایشان نهالی از معلومات نشانده و بهر يك اطلاعاتی مفید داده است ولی اگر پس از ترك دبستان یکباره از تحصیل و کسب علوم فارغ نشینند آن نهال پیش از آنکه رشد کند پژمرده خواهد شد و بثمر نخواهد رسید و آن اطلاعات در اندک زمانی دستخوش فراموشی خواهد گشت، یعنی زحمات دبستان بکای بهدر خواهد رفت.

مدرسه باید بشاگردان خود دلبستگی و علاقه داشته باشد و هنگامیکه مدرسه را ترك میکنند در حیات آتیة ایشان بیندیشد تاچه خواهند شد و باخطرها و مشکلات زندگانی چگونه نبرد خواهند کرد.

اگر مدرسه مراقب احوال شاگردان جوان خود نباشد و بنائی را که از فضائل علمی و اخلاقی در ضمیر ایشان بنیان نهاده است گاهگاه تعمیر و اصلاح نکند آن بنا که بامشقت و فداکاری و حوصله جانکاه آموزگاران برپا شده است در اندک زمانی فرو خواهد ریخت و از آن جز ویرانهای غم انگیز برجای نخواهد ماند.

آزادی کامل برای جوانانی که فقط تحصیلات دبستانی را پایان برده اند زیان آور است، چه ایشان هنوز در زندگانی بسرپرست و رهنمائی نیازمندند و اگر

دبستان ناگزیر ایشان را ترك گفته است هیئت اجتماعی و حکومت ملی ترک نمیتواند گفت. بنابراین دبستان باید وظیفه خود را در تعلیم و تربیت جوانان پس از اتمام تحصیلات دبستانی نیز دنبال کند و با وسائل گوناگون که از آنجمله یکی تأسیس کلاس اکابر است رشته ارتباط ایشان را با مدرسه استوار سازد.

۱ - کلاسهای اکابر

در ایران کلاس اکابر بیشتر برای مردان بیسواد تأسیس میشود، ولی در ممالک اروپا و امریکا امروز غالباً برای جوانان است که پس از اتمام دوره تحصیلات دبستان و اشتغال بکار برای تکمیل و استحکام پایه معلومات دبستانی خویش بکلاسهای شبانه اکابر میروند و منظور از تأسیس اینگونه کلاسها کمک باین قبیل جوانان است.

دستور تعلیمات کلاسهای اکابر باید با رعایت احتیاجات محلی و میل شاگردان تنظیم شود و هر کلاسی ممکنست دارای دستور تعلیمات خاصی باشد. در هر حال در کلاسهای اکابر هر چند هم که شاگردان مدرسه ابتدائی را ندیده باشند از اجرای دستور تعلیمات دبستانها خودداری باید کرد، چه کارگران و جوانانی که باینگونه کلاسها مراجعه می کنند مانند اطفال وقت زیاد و آزاد ندارند و ناگزیر باید سریعتر و باشتابتر پیشروند. در کلاس اکابر باید همیشه معلمین لازم را بر مفید ترجیح دهند و از تعلیم آنچه در زندگانی مادی و عملی چندان بکار نیست چشم پوشند و سعی کنند که شاگردان در درس فائده محسوسی مشاهده کنند و گرنه در اندک مدتی از کلاس نومید و بیزار خواهند شد و ترك تحصیل خواهند کرد.

در درس کلاس اکابر باید جنبه عملی و علمی بایکدیگر توأم باشد.

۱ - جنبه عملی - در نواحی زراعتی درس کلاس اکابر باید بیشتر شامل

قواعد تخمین حجم اجسام و مساحت زمین، حل مسائلی که در زندگانی عادی زارعین پیش می آید، ترتیب ممیزی اراضی زراعتی، طرز نوشتن مراسلات تجارتي و اطلاعات جامع مختصری در امور فلاحتی و حقوق عمومی باشد.

در مراکز صنعتی و شهرها بیشتر باید اصول عمده ریاضی و ترتیب مکاتبات

تجارتي و رسم و نوشتن با ماشین تحریر و تند نویسی را بشاگردان آموخت.

در کلاسهای اکابر دخترانه البته موری که مربوط بزنگانی زانست مانند حساب مخارج خانه و خیاطی و اصول اقتصاد و پاکیزگی و حفظ الصحه و رعایت نظم و ترتیب باید تدریس شود. مخصوصاً در کلاسهای اکابر مردانه یا زنانه باید بتعلیم حفظ الصحه توجه تام شود و شاگردان را بر رعایت اصول تندرستی و احتراز از امراض مسری و مقاربتی و اجتناب از شرابخواری و امثال آن تشویق کنند.

۲ - جنبه علمی - اگر در کلاسهای اکابر فقط بتعلیمات عملی قناعت شود دائره معلومات شاگردان بسیار محدود و پایه اطلاعات ایشان نااستوار خواهد گشت زیرا گرچه اطلاعات عملی در زندگانی روزانه برای ایشان مفید است ولی در تقویت روح و تربیت قلوب و توسعه افق فکر آنان تأثیری ندارد و برای اینکه بروح و قلب و فکر شاگردان خدمتی شود باید از تعلیمات علمی و ادبی استعانت کرد معلمین باید علاوه بر تعلیمات عملی در هر ساعت درس قطعات منتخبی از آثار نویسندگان و شاعران بزرگ بخوانند و چند دقیقه از قسمتهای مهم تاریخ و جغرافیای ممالک یا اکتشافات و اختراعات بزرگ و امثال آن سخن گویند و بدین طریق در هر جلسه درس بر معلومات کلی شاگردان چیزی بیفزایند.

۲ - دوره تحصیل در کلاس اکابر

در فرانسه کلاس اکابر بیشتر برای پسران یا دخترانست که دوره دبستان را پایان برده و بکاری اشتغال جسته اند، و بهمین سبب برای اینگونه کلاسها دو دوره معین شده است، یکی برای پسران از سیزده تا هفده ساله و دختران از سیزده تا شانزده ساله، و دیگری برای پسران از هفده تا بیست ساله و دختران از شانزده تا هجده ساله.

در یکی ازین دو دوره شاگردان بتحصیل دروس عملی مانند علوم مربوط بفلاحت و صنعت و تجارت و امور خانه داری و امثال آن میپردازند و این دروس باتمربین-های عملی و کارهای دستی توأمست. در دوره دیگر نیز دروس علمی مانند زبان و تاریخ و تعلیمات مدنی و حقوق عمومی و اقتصاد و امثال آن تدریس میشود. علاوه برین در هر دوره ورزش و تیراندازی و عملیات دیگری را که در خدمت نظام لازم است نیز بشاگردان می آموزند. شاگردان باید در دوره اول لااقل سیصد ساعت و در دوره دوم دویست ساعت در مدت سال بتحصیل بگذرانند.

۳- خطابه‌های تعلیم و تربیتی

یکی دیگر از وظائف تکمیلی مدرسه تشکیل مجالس خطابه‌های تعلیم و تربیتی برای عامه است. ولی بهتر است که اینگونه مجالس نیز ضمیمه کلاسهای اکابر مدرسه شود تا هم چیزی بر معلومات ایشان بیفزاید و فن خطابت و سخنگوئی در حضور جمع را بیاموزند و هم بواسطه تنوع مطالب و تفاوتی که میان خطابه و درس هست برای آنان تفریح خاطرری باشد. درین قبیل مجالس غیر از شاگردان کلاس شبانه سایر مردم هم در صورتی که مایل باشند حاضر میتوانند شد و مخصوصاً مدرسه باید روز تشکیل مجالس خطابه را با اطلاع اولیاء اطفال و دیگران برساند و ایشان را بحضور درمجالس مذکور تشویق کند.

خطابه‌های عمومی باید معمولاً هر پانزده روز یکبار ایراد شود و اگر یکشب درس کلاس اکابر را بدان اختصاص دهند بهتر است. موضوع خطابه‌ها بایستی جاذب و حاوی مطالب تازه و سودمند در ادبیات و تاریخ و جغرافیا یا در مباحث علمی و صحتی باشد. گاه نیز از مسائل جاری سخن میتوان گفت ولی حتی الامکان باید موضوع را چنان انتخاب کنند که فهم آن برای شنوندگان آسان و محتاج باطلاعات و معلومات مخصوص نباشد و نیز از ایراد خطابه‌های مسلسل و طولانی و بحث در مسائل فلسفی و عرفانی که جز شک و تردید چیزی نیست و غالباً برای مستمعین جز کسالت و فرسودگی نتیجه‌ای نمیتواند داشت خودداری کنند. موضوع خطابه باید چنان انتخاب شود که پس از انجام بیانات گوینده، شنوندگان با افکار جدید و اطلاعات مفید و مسام و روشن و قطعی مجالس را ترک گویند و گرنه هر گاه بیانات خطیب مجهولی بر مجهولات سابق مستمعین بیفزاید یا اساس ایمان ایشانرا در برخی از مباحث عقلی و روحی سست کند و بجای آن نیز ایمان ثابتی نگذارد بر آن چه فائده‌ای متصور تواند بود ؟

اگر در ضمن هر خطابه تصاویر و مناظر مر بوطبدان را نیز بانور افکن با وسیله سینما نشان دهند بسیار مفید و جالب توجه خواهد بود. مخصوصاً در خطابه‌هایی که راجع به علوم طبیعی و زندگانی حیوانات یا صنایع و کارخانها و امثال آن ایراد میشود نور افکن و سینما بسیار مؤثر و لازمست .

ایراد کنندگان خطابه‌ها البته بیشتر آموزگاران و معلمان مدارس هستند ولی چون حتی الامکان گویندگان باید در موضوع خطابه‌خوبش تخصص و اطلاع کامل داشته باشند در برخی موضوعات مانند مسائل طبی و صحی یا مطالب مربوط بصلاح و صنعت ممکنست اطلاعات معلمان کافی نباشد، درینصورت باید مدرسه از اطباء و دوا سازان و متخصصین صلاح و رؤسای صناعت و تجارت وامثال ایشان خواهش کند که هر یک در فن خویش خطابه‌ای ایراد کنند و این امر در شهرهای کوچک که رؤسای مدارس و ادارات بیشتر بایکدیگر مانوس و محشورند آسانی انجام پذیراست.

۴ - قرائت آثار بزرگان

علاوه بر مجالس خطابه عمومی مدرسه باید ماهی دو یا سه مرتبه در کلاس اکابر مجلسی، برای قرائت آثار شعرا و نویسندگان معروف ایران تشکیل دهد و حضور درینگونه مجالس را نیز برای عموم آزاد گذارد. درینجا موضوعاتی که برای خواندن انتخاب میشود باید فقط از آثار معروف ادبی ایران باشد چه منظور آنست که شنوندگان بانوع فکر و طرز بیان و سبکهای مختلف گویندگان بزرگ آشنا شوند و گفتار و افکار استادانی مانند فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی روح ایشان را تربیت کند.

برای قرائت آثار بزرگان در هر جلسه یکساعت و نیم کافیت. خواننده که بیشتر از میان معلمان انتخاب میشود باید پیش از آغاز قرائت مختصری در موضوع قطعه‌ای که انتخاب شده است بیان کند تا اذهان شنوندگان برای دریافتن نظم یا نثری که خواننده میشود حاضر گردد. در خواندن نیز باید اشعار یا عبارات را شمرده و روشن و گرم و درست ادا کند و از فریاد زدن یا بسیار آهسته و زیراب خواندن و شتاب و حرکاتی که باموضوع متناسب نیست بپرهیزد. در قرائت برخی آثار مانند داستانهای شاهنامه نیز ممکنست که چند نفر شرکت کنند و هر یک جای یکی از پهلوانان داستان را بگیرد.

قرائت آثار بزرگان علاوه برینکه مربی روح و فکر و اخلاق شنوندگانست بایشان درست خواندن و درست گفتن را نیز خواهد آموخت.

۵ - کتابخانه

کتابخانه برای مدرسه از جمله لوازم اولیه است زیرا شاگرد و معلم هر دو

بدان نیازمندند. کتابخانه مدرسه باید دارای دو گونه کتاب باشد یکی برای معلم و یکی برای شاگرد.

کتابی که برای معلم باید تهیه شود کتب اساسی هر رشته است که معلمین برای تکمیل معلومات خویش و استفاده از آنها در تهیه دروس خود یا برای خواندن قطعات منتخبی در کلاس بدانها محتاجند. مانند کتب لغت فارسی و عربی و زبان های بیگانه و دواوین شعرای معروف و آثار ادبی اساتید نویسندگان و کتب اساسی تاریخ ایران و کتابهایی که درباره ادبیات یا علوم از طرف نویسندگان معاصر ایران یا خارجه نوشته شده و کتب درسی مخصوص هر یک از مواد مانند فیزیک و شیمی و ریاضیات و تاریخ و جغرافیا و امثال آن.

اگر اینگونه کتب در کتابخانه مدرسه موجود نباشد دروس معلمین همیشه یکسان و کم مایه و احیاناً ناقص خواهد بود، زیرا غالب معلمین استطاعت اینکه تمام کتب مربوط به درس خود را شخصاً تهیه کنند ندارند و اگر دسترس به کتابخانه نسبتاً کاملی نداشته باشند ناگزیر دروس خود را از روی چند کتاب محدودی که در دسترس ایشانست تهیه خواهند کرد و درینصورت دروسشان کم مایه و ناقص خواهد گشت. علاوه بر واسطه بی اطلاع بودن از اختراعات و اکتشافات جدید پیوسته همان دروس قدیم را تکرار خواهند کرد و ازینجهت دروسشان یکسان و بی اعتبار خواهد بود.

کتابی که در کتابخانه مدرسه برای اطفال باید موجود باشد بنسبت سن ایشان فرق می کند. برای شاگردان کلاسهای اول و دوم داستان کتابهایی از قصه ها و حکایات کوچک لازمست که مایه تفریح خاطر و تربیت قوای فکری ایشان گردد ولی البته باید اینگونه کتابها از اوهام و خرافات و حکایات دیو و پری خالی باشد تا ذهن اطفال را از طریق حقیقت و صواب منحرف نسازد.

شاگردان کلاسهای سوم و چهارم را علاوه بر قصص و حکایات کوچک باید بخواندن شرح حال سیاحان و قطعات منتخبی از قسمتهای مهم تاریخ ایران و گزارش زندگانی بزرگان و رجال معروف کشور را انگیزت تا بدینوسیله کم کم حس وطن پرستی و ستایش بزرگان و هنر پردازان افتخارات وطن دریشان مایه گیرد و این آتش مقدس

در قلب کوچک آنان روشن شود. بنابراین تهیه این قبیل کتب نیز برای کتابخانه مدرسه واجب است.

محصلین کلاسهای پنجم و ششم دبستان و دوره اول دبیرستان باید بیشتر آثار شعرای بزرگ ایران مانند فردوسی و سعدی و حافظ و عنصری و فرخی و سنائی و کتب ادبی و تاریخی نویسندگان معروف مانند نظامی عروضی و بیهقی و نظام الملک و گردیزی و امثال آن و شرح احوال رجال بزرگ و سرداران و علما و مختصر عین و سیاحان ایرانی و خارجی را مطالعه کنند و کتابخانه مدرسه باید اینگونه کتب را در دسترس ایشان گذارد. کتابهایی که در کتابخانه مدرسه جمع میشود، مخصوصاً حکایات و داستانها و آثارها، باید متناسب با زندگیانی مدرسه یعنی کاملاً موافق با اخلاق پسندیده و بلکه آموزنده و موجد آن باشد. حکایات و افسانه‌های عشقی و پلیدی و کتبی را که در آن ازدودی و قتل و جنایت سخن رفته است باید از محیط مدرسه دور کرد و مخصوصاً طفل دبستان و دوره اول دبیرستان را که هنوز عقل و تمیز و اراده استواری ندارند و آسانی تحت تأثیر اینگونه کتب واقع میشوند از خواندن آنها بازداشت.

کتابخانه مدرسه را فقط بشاگردانی که مشغول تحصیلند نباید اختصاص داد، بلکه باید در آنرا برای شاگردان قدیم مدرسه نیز باز گذاشت. وقتی که در دبستان یا دبیرستان ذوق مطالعه را در اطفال ایجاد کردیم باید سعی کنیم که این ذوق در نهاد آنان باقی ماند و قوت گیرد. مخصوصاً شاگردانی را که پس از اتمام دبستان از ادامه تحصیل چشم پوشیده بکار میپردازند باید بمطالعه کتب تشویق کرد و کتابخانه دبستان را مانند پیش در اختیار ایشان گذاشت تا بتوانند لااقل از نبراه چیزی بر معلومات ناقص خود بیفزایند. بنابراین کتابخانه مدرسه باید کتابهایی هم مخصوص اینگونه شاگردان و محصلین کلاس اکابر داشته باشد و برای این طبقه کتب فلاحتی و صنعتی و تجارتنی از کتب دیگر مفیدتر است. البته در نواحی فلاحتی مدارس باید بیشتر کتب فلاحتی و شصب مختلف آن و در نواحی صنعتی و تجارتنی بر خلاف کتب مربوط بصنعت و تجارت رانیه کنند و همیشه کتابخانه را چنان ترتیب دهند که بانوع زندگانی مردم محل متناسب باشد.

تأسیس کتابخانه‌ای در هر مدرسه با شرایط سابق الذکر مستلزم مخارجیست که شاید بودجه دولت نتواند در یکسال و دو سال تحمل کند. در ممالک اروپا غالباً کتابخانه‌های مدارس بهمت مردم و با وجوهی که بوسائل گوناگون تحصیل می‌کنند تأسیس و تکمیل میشود.

از آنجمله یکی اینست که علاوه بر شاگردان قدیم و جدید مدرسه، اولیای شاگردان و برخی از مردم را نیز در مطالعه کتب کتابخانه شریک میکنند و بهر کس که مایل باشد کتاب امانت می‌دهند و در عوض هر هفته وجه کمی از ینگونه اشخاص میگیرند که در مدت سال وجه قابلی میشود و میتوان آنرا در تکمیل کتابخانه و صحافی و تجدید کتب بکاربرد. وسیله دیگر گرفتن پول بسیار کمی از شاگردان در هر هفته یا ماهست. در دبستانهایی که متجاوز از صد شاگرد دارد اگر هر شاگردی در هفته فی‌المثل دو یا سه شاهی پردازد در پایان سال از پنجاه تا هفتاد تومان بدست خواهد آمد و با این مبلغ مقداری بر کتب مفید کتابخانه مدرسه میتوان افزود.

۶ - انجمن حامیان دبستان

در ممالک اروپا معمولاًست که دبستانها را مخصوصاً در شهرهای کوچک و قصبات جمعی از اشخاص معروف و ممتاز محل حمایت و سرپرستی میکنند. از ینگونه اشخاص خیر خواه چه مرد و چه زن انجمنی تشکیل میشود و آن انجمن با مشورت مدیر و آموزگاران مدرسه و وسائل اجتماع و اداره اطفال را در اتمام تعطیل فراهم میسازد.

وجود این قبیل انجمنها در شهرهای کوچک و قصبات مخصوصاً در مراکز صنعتی بحال اطفال بسیار مفید و در تربیت ایشان مؤثر است. زیرا در مراکز صنعتی غالباً اولیاء اطفال در کارخانها کار میکنند و حتی ایام تعطیل را نیز تمام روز بکار اشتغال دارند. پس اگر در روزهای تعطیل دبستان کسی از اطفال نگهداری و سرپرستی نکند طبعاً در کوچهای سرگردان و در معرض خطرهای فراوان واقع میشوند. البته در مملکت ما شاید تشکیل انجمن حامیان دبستان از لحاظ سابق الذکر چندان لازم بنظر نمیرسد، چه طرز زندگی ما نوع دیگریست و کمتر اتفاق می‌افتد که تمام افراد خانواده اشتغال خارجی داشته باشند، ولی در هر حال تشکیل اینگونه انجمنها از جهات دیگری که خواهیم نوشت خالی از فائده نیست.

انجمن حامیان دبستان با کمک و دستیاری اولیاء مدرسه در ایام تعطیل شاگردان را جمع میکند و از اعضاء انجمن کسانی که مایل باشند وقت خود را در آن روز صرف تهیه وسائل تفریح و اداره اطفال می کنند . گاه اطفال را برای تفریح و گردش بخارج شهر میبرند و گاه در حیاط دبستان با نقل حکایات شیرین و بازیهای مفرح و خواندن سرود و آواز سرگرم و مشغول میدارند .

بعلاوه این انجمن شاگردان را پس از انجام تحصیلات دبستان نیز حمایت و سرپرستی میکند و این سرپرستی غالباً بسیار مفید واقع میشود . چه اطفال دوره دبستان را درسزده سالگی بانجام میرسانند و اگر بدیورستان نروند و بتکمیل تحصیلات خود نپردازند از قید مدرسه و مقررات آن آزاد میشوند . از طرفی دوره زندگانی جوانان بین سیزده و بیست که در آغاز شباب هستند دوره خطرناک است ، ممکنست که اگر درین دوره سرپرست و مدیر صالحی نداشته باشند از اخلاق پسندیده و راه صواب منحرف شوند . انجمن حامیان دبستان راهنمایی و تربیت اینگونه جوانان را نیز بعهده میگردد . غالباً در ایام تعطیل بعد از ظهر ایشانرا بدبستان دعوت میکند و چند ساعتی بازیهای گوناگون و تیر اندازی و ورزش و قرائت اشعار و شنیدن ساز و استماع خطابههای صحی و اخلاقی میگذرانند . ضمناً با جوانانی که هنوز شغلی نیافته اند یاری می کنند تا بکاری مشغول شوند یا ایشان را بمدیران کارخانها و اداراتی که بوجود جوانان احتیاج دارند توصیه می نماید و بدین طریق در میان تمام افراد شهر یا قصبه روح تعاون و اتحاد و یگانگی پدید می آورد .

فصل بیست و هشتم

تعلیمات مخصوص

۱ - تعلیم کارهای دستی و آزاد

تعلیم کارهای دستی و آزاد از آن جهت که شاگردان را برای زندگی آماده می‌کند واجبست. بسیاری از تحصیلین دبستانها، مخصوصاً در شهرهای کوچک و مراکز صنعتی و فلاحتی، پس از آنکه تحصیلات دبستانی را پایان بردند از بی‌شغل پدر در کارخانه بکارگری یا در مزارع بزنگانی روستائی مشغول میشوند، اگر مدرسه بواسطه تعلیمات کلی خود اطفال را از کارهای آزاد منحرف سازد و ایشان را از شغل پدری متنفر کند و دریشان میل خدمات دولتی و اداری برانگیزد، اعمال نفوذ ناپسند و زیان آوری کرده است. البته دبستان نباید کارگر و زارع تربیت کند ولی موظف است که در ضمن معلومات مقدماتی دبستانی ایشان را به‌مشاغلی هم که در زندگی آتی باید پیش گیرند علاقه‌مند سازد و بکوشد که عشق کارهای آزاد از کودکی در آنان برانگیخته شود تا اینگونه مشاغل را بدیده حقارت ننگرند، بایشان بفهماند که کار آزاد کردن تنگ نیست و از قدر و مقام آدمی نمی‌کاهد، بلکه برخلاف آزادی و استقلال کار آزاد مایه سرور و آسایش فکر و آزادبست و کسی که با کارهای آزاد زندگی میکند در انظار مردم سرفراز تر و محترم تر است.

بالاخره دبستان باید نشان بدهد که میان کارهای آزاد فلاحتی و صنعتی با کارهای دماغی و اداری فرقی نمیگذارد و بر هر دو یکدیده می‌نگرد. باید ثابت کند که ارزش کار دست و دماغ بکیست ولی اگر ایندو بیاری یکدگر کاری کنند البته ارزش آن بیشتر خواهد بود.

فوائد تعليم کارهای دستی و آزاد

۱ - تأثیر آن در تربیت بدن - کارهای دستی چون اطفال را بحرکت برمی‌انگیزد و احتیاجی را که پس از دروس فکری جنبش و تفریح دارند تأمین میکند و بین قوای دماغی و بدنی تعادلی ایجاد مینماید بسیار مفید است. مخصوصاً اگر کارهای دستی در فاصله دروس دیگر انجام گیرد چون مایه تفریح خاطر و انصراف، حواس شاگردان از کارهای دماغیست کسالت و فرسودگی کلاس را بکلی رفع می‌کند و چالاکی و سرعت عمل و دقت در حرکات بدنی را بایشان می‌آموزد.

۲ - فائده عملی آن - البته چنانکه اشاره کردیم دبستان برای تربیت کارگروزارع تأسیس نشده و وظیفه حقیقی آن تربیت کلی قوای اطفالست پس اگر بتعليم کارهای دستی و آزاد مپردازد برای آنست که بحیات آینده شاگردان خویش خدمتی کند و کارهای مختلفی را که پس از انجام مدرسه ممکن است پیش گیرند در معرض ذوق ایشان گذارد تا در مدرسه ذوق و میل باطنی خویش را بیازماید و کاری موافق ذوق انتخاب کنند. در ضمن تعایم کارهای دستی، دبستان افزار و آلات مهمی را که فی‌المثل در نجاری و آهنگری و صنایع گوناگون دیگر بکار میرود بشاگردان نشان میدهد و بایشان کشیدن صورت ساده هر يك از آنها را می‌آموزد. البته درین کار احتیاجات محلی را نیز باید رعایت کرد. دبستانی که در بندر و شهرهای کنار دریاست باید شاگردان را بماهگیری و امور مربوط بدان آشنا کند و اگر در یکی از شهرهای صنعتی است اصول صنایع مخصوص و مهم آن شهر، و اگر در مراکز فلاحیتست کلیات کارهای فلاحتی و زراعتی را بایشان بیاموزد.

۳ - فائده اخلاقی آن - یکی از مهمترین فوائد تعليم کارهای دستی و آزاد آنست که تصورات واهی و بی‌اساس بسیاری از مردم را درباره نوع مشاغل برطرف میکند. برخی اشخاص تصور می‌کنند که کارهای آزاد در قدر و بها کمتر از کارهای دماغیست و از میزان شرافت و مقام آدمی در چشم مردم میکاهد. دبستان بتعليم کارهای آزاد و متوجه ساختن اطفال باینگونه کارها این تصورات واهی را از میان بر میدارد و فرزندان آتیه را حتی الامکان از تنگنای خدمات دولتی و اداری میرهاند.

شرائط تعليم کارهای دستی

تعليم کارهای دستی بايد مبتنی بر شرايط و نکات ذیل باشد :

۱ - بايد باسن و استعداد جسمانی اطفال متناسب باشد و گرنه هر گاه کارهای مشکل بر زحمت را با اطفال کوچک محول کنیم طبعاً بجای آنکه بکارهای دستی و آزاد رغبت یابند از آن بیزار خواهند شد و این برخلاف مقصود اساسی دبستان است .

۲ - تمرینات کارهای دستی بايد متکی بر تعليم رسم و نقاشی باشد ، زیرا در اینگونه امور غالباً اطلاع از رسم و نقاشی واجبست و کارگر ناگزیر بايستی پیش از شروع بکار تصویر شئی را که میخواهد بسازد تهیه کند . مثلاً برای ساختن میز و صندلی و در و پنجره و امثال آن نجار قبلاً تصاویری از آنها رسم می کند و نخست ابعاد و اضلاع هر يك را روی کاغذ معین میسازد سپس بساختن آنها می پردازد .

در دبستانهایی که کارخانه های کوچک مخصوص کارهای دستی موجود نیست ممکنست بساختن اشیائی با کاغذ و مقوا با رعایت نکته فوق اکتمفا کرد ولی در دبستان هائی که وسائل کارهای دستی فراهم است ساختن اشیاء آهنی و چوبی نیز مانعی ندارد . گذشته از رسم و نقاشی کارهای دستی با هندسه و حساب هم رابطه و بستگی کامل دارد ، مخصوصاً در نا کردن و برش و چسباندن قطعات اشیاء اگر کارگر صور هندسی را صحیحاً در نظر نداشته باشد از کار خود نتیجه صحیح و دقیق نمیتواند گرفت .

۳ - در دبستانها از تعليم کارهای دستی بايد فقط همان امر تعليم منظور باشد و بی جهت اطفال را بساختن اشیاء مکرر و يك شکل ننگمارند . در پایان سال نیز بايد اشیائی را که هر شاگردی ساخته است باو داد تا بخانه برد و فقط چند نمونه از بهترین کارهای شاگردان را در موزه مدرسه بعنوان یادگار نگاهداشت .

نوع کارهای دستی برای پسران و دختران نیز بايد متفاوت باشد . پسران را بايد بترتیب سن و رعایت قوای جسمانی بتمرین در کارهای دستی لازمی که در زندگانی عادی پیش می آید مانند دوختن تکمه ، ساختن باکت ، شکافتن لباس ، صحافی کتاب ، سیم کشی برق ، ساختن اشیاء هندسی باچوب و حلبی ، کارهای کوچک نجاری ، اصول کارهای فلاحتی مانند آماده کردن خاک و بذر افشانی و نشا کردن و آب دادن گل و امثال

آنها گماشت. ولی بدختران باید بیشتر خیاطی و جوراب بافی و اطو کشی و برش و دوختن و وصله کردن لباسها و امور دیگری ازین گونه را که وظیفه زنانست آموخت.

۲- تعلیم خانه داری در مدارس دختران

دختران کوچکی که امروز در دبستانها درس میخوانند فردا باید خانه ای را اداره کنند و اطفالی را سرپرست باشند، پس دبستان باید ایشان را از کودکی برای زندگی آینده مهیا سازد.

البته دختران باید از تاریخ و جغرافیای مملکت خود و تعلیمات مدنی و حساب مطلع باشند ولی ضمناً باید در نظر داشت که دختران امروز چون فردا بانوی خانه ای شدند باید از عهده اداره آن بر آیند و چون مادر اطفالی چند گشتند در تربیت و تغذیه و حفظ تندرستی ایشان عاجز نمائند.

آبادانی و خرابی هر خانه ای در دست زنست. اگر زن در کار خود آگاه نباشد شوی را بدبخت و خانه خراب خواهد کرد. بیشتر مادران هم متأسفانه در تعلیم خانه داری بدختران خویش کوتاهی می کنند. غالباً نیز حق با ایشانست، چه خود هم از اصول خانه داری بی اطلاعند، پس این وظیفه را نیز مدارس دخترانه باید انجام دهند. اصول تعلیم خانه داری آموختن طرز تنظیم اشیاء خانه، طبخ و تهیه غذاهای گوناگون، شستشو و لکه گیری لباس، اطو کشی، خیاطی و اصلاح لباسهای پاره شده، طرز تربیت و نگاهداری اطفال، ترتیب رفتار با خدمتکاران، صرفه جوئی و اقتصاد در مخارج خانه، ترتیب چیدن میز طعام، رعایت اصول حفظ الصحه و نظافت در منزل و امثال آنهاست.

تعلیم خانه داری باید مبتنی بر اصول علمی باشد

اگر تعلیمات خانه داری مبتنی بر اصول علمی نباشد و با دلائل و تجارب علمی مشکلات شاگردان را رفع نکنند تعلیمات مزبور سطحی و بی بنیان خواهد بود و بزودی فراموش خواهد گشت. برای اینکه دختران جوان در آئینه زنان خانه دار قابلی شوند باید آنچه را که بایشان می آموزیم با دلیل و برهان علمی توأم باشد. مثلاً اگر بایشان گفته می شود که برای نگاهداری تخم مرغ باید آن را در ظرفی بر از آهک گذاشت یا در دستمالی که تخم مرغ در آنست شن ریزه یا خاکستر یا سبوس باید ریخت،

باید ضمناً گفت که چون پوست تخم مرغ خالی و فرج و منافذ كوچك دارد هوا بدن داخل می شود و هوا بواسطه ذرات فاسد كندهای که همراه دارد تخم را فاسد می کند، پس باید از دخول هوا بدون آن جلوگیری کرد. بالاگر گفته می شود که در پختن آبگوشت باید آتش احراق کم و ملایم باشد، باید گویند که چون گوشت دارای «آلبومین» است اگر آتش تند باشد آلبومین آن مانند سفیده تخم مرغ می بندد و گرد گوشت را می گرد و نمی گذارد که شیرۀ آن با آبگوشت آمیخته شود همچنین اگر دستور می دهند که در شیر دادن باطفال از بستنك های بلند احتراز کنند، باید متذکر شوند که چون اطراف لوله بستنك با شیر آغشته می شود اگر لوله آن بلند باشد درست شسته نخواهد شد و شیری که در لوله مانده است تولید میکروبها و مواد مضرى خواهد کرد که موجب اختلال کارهای معده و جهاز هاضمه اطفال می شود.

اگر زن بدلیل کاری که انجام می دهد بی برده باشد در انجام دقت و مراقبت مخصوص خواهد کرد و اگر دختری داشته باشد آنچه را که در مدرسه فرا گرفته است باعلاقه تام با او خواهد آموخت.

تعلیم خانه داری باید باعمل توأم باشد

اگر تعلیم خانه داری باعمل توأم نباشد در ذهن شاگردان اثر بایدار بادوامی نخواهد گذاشت، بنابراین علاوه بر درس و دستورهائی که شفاهادر باره اصول خانه داری و اقتصاد و حفظالصحه و پاکیزگی و نظم و انضباط آن داده می شود تعلیمات دیگر مانند خیاطی و اطو کشی و ریش و طبخنی را باید باعمل در آمیزند تا دست فراموشی از آنچه شاگردان فرامی گیرند کوتاه گردد.

مدرسه باید یکروز از ایام هفته مثلاً پنجشنبه را بتعلیمات عملی خانه داری اختصاص دهد درین روز شاگردان کلاس ششم دبستان باسرپرستی یکی از آموزگاران، که خود از رموز خانه داری خوب آگاه باشد. و مدیر دبستان بکارهای عملی مشغول می شوند. ممکنست که درین روز معین ساعات صبح را بکارهای عملی و ساعات عصر را بتوضیحات و دستورهای شفاهی اختصاص داد. هرگاه فی المثل شاگردان کلاس ششم چهل نفر باشند آموزگار خانه داری باید ایشان را بچهار قسمت کند و هر دسته ده نفری را بیک

از امور چهارگانه طبّی و شستشو و اطو کشی و خیاطی گمارد. باین ترتیب در پایان هر ماه همگی درین چهار امر لافل یکبار بنوبه شرکت کرده‌اند.

دخترانی که بکار طبخ مشغول می‌شوند امور مربوط بدن مانند خورد کردن سبزی و کوبیدن و سرخ کردن گوشت و بختن اغذیه را با دستور آموزگار و مدیره می‌آموزند و پس از انجام کار و صرف غذا نیز ظروف را مطابق دستورهای صحیح می‌شویند و خشک میکنند. گاه برای اینکه اساساً دختران از ترتیب انتخاب و خرید سبزی و گوشت و سایر مواد غذایی آگاه شوند ممکنست که مدیره دبستان ایشان را با خود ببازار برد و در ضمن خریدن هر چیز دستور دهد که قیمت آنرا یادداشت کنند و همچنین مقدار تقریبی مخارج غذایی بکنفر را برای ایشان معین کند تا ازینراه بنسبگداشتن حساب‌خانه هم آشنا شوند. در کارهای گوناگون طبخ نیز هر شاگردی باید دفتر یادداشتی همراه داشته باشد تا بتواند دستورهائی را که آموزگار در ضمن کار میدهد یادداشت کند.

در طبّی البته ترتیب بختن چند گونه غذای مختلف را باید آموخت و بیشتر باغذیه‌ای که مقویتر و کم خرجتر است توجه باید کرد. بشاگردان باید گفت غذای کامل غذایی است که دارای مواد «ازوتی» مثل حبوب و تخم مرع و گوشت، و مواد چرب مانند کره و روغن، و مواد قندی باشد و غذایی که ازین گونه مواد خالی باشد ناقص است.

در همان حال که دسته‌ای از دختران بکار طبّی اشتغال دارند سه دسته دیگر در سایر قسمت‌های شستشو و خیاطی و اطو کشی میکنند و البته آموزگار و مدیره دبستان باید همگی را یکسان مراقبت کنند.

ساعات عصر همانروز باید چنانکه اشاره کردیم بتعلیمات شفاهی و دستورهائی نوشتنی و قرائت کتب مخصوص خانه‌داری تخصیص داده شود. قسمتی از درس برش و خیاطی راهم که محتاج بکشیدن تصاویر روی تخته سیاه و توضیحات بیشتری است میتوان ساعات عصر موکول کرد و البته برای اینکه ساعات صبح و عصر آن روز کاملاً برای تعلیمات خانه‌داری آزاد باشد باید دروس عمومی مانند تاریخ و جغرافیا و ریاضیات و تعلیمات مدنی و ورزش و امثال آنرا بر روزهای دیگر محول ساخت.

مخارج کارهای عملی خانه‌داری را یا باید وزارت معارف ضمن مخارج مدارس دختران پیش بینی کنند و یا خود مدرسه با موافقت شاگردان تربیتی برای فراهم ساختن لوازم اینکار بدهد.

تعلیم بچه داری

علاوه بر آنچه گفته شد تعلیم بچه‌داری هم از جمله وظائف مدرسه دختران است، چه دختران امروز مادران فردا هستند و باید از جوانی طرز تربیت و ترتیب تغذیه و مراعات حفظ‌الصحهٔ کودکان را بیاموزند. همانطور که مادران بچه تندرست و هوشمند ترتیب می‌کنند مادران نادان و غافل بلای جان اطفالند، اگر در مدرسه دختران را از تربیت صحیح و علمی بچه‌داری آگاه نکنیم و شرائط مخصوص تغذیه و حفظ‌الصحهٔ اطفال را بایشان نیاموزیم طبعاً از همسایگان یا مادران خود تقلید خواهند کرد و از طریق نادانی جان جمعی از کودکان بیگناه را که مردان و نگهبانان آئینه مملکتند بیاد خواهند داد.

بنابرین مدرسه باید در هفته چند ساعتی را نیز بتعلیم بچه‌داری تخصیص دهد ممکنست عروسک بزرگی را بجای بچه بکلاس برد و طرز لباس پوشاندن و شیر دادن و خواباندن اطفال را بوسیلهٔ آن بدختران جوان آموخت، همچنین مدیرهٔ مدرسه میتواند با اجازهٔ مقامات بالاتر شاگردان را گاه‌گاه بدارالتربیه یا دارالرضاعه برد تا ترتیب نگاهداری اطفال را بیچشم ببینند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرو بشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان ګاونډي او مطالعاتي ښوونځي
پرتال جامع علوم انساني

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول

دبستان

صفحه

۳

۱- وظیفه دبستان

۳

۲- اصول و کلیات دبستان

۵

۳- وظیفه آموزگاران

فصل دوم

انواع تعلیم - روشهای مختلف

۶

۱- انواع تعلیم

۸

۲- روشهای مختلف :

روش تحقیق و تتبع - روش تعلیم - تعلیم تقریری - تعلیم
استفهامی - تعلیم مختلط

فصل سوم

وسائل تعلیم

۱۳

۱- کلیات

۱۴

۲- ادراک : ادراک حسی - ادراک ذهنی - ادراک اخلاقی

۱۷

۳- استفهام : سؤال کشفی - سؤال تفتیشی - شرایط استفهام

فصل چهارم

وسائل تعلیم (بقیه و خاتمه)

صفحه

۲۲

۱- درس شفاهی

۲۳

۲- استفاده از سینما در مدارس

۲۵

۳- کتاب : فائده کتاب برای شاگرد- فائده کتاب برای آموزگار -
طریقه استفاده از کتاب

۲۶

۴- تکالیف کتبی :

فائده تکالیف کتبی - انتخاب تکالیف - تصحیح تکالیف -
انجام تکالیف در خانه و در کلاس

۳۰

انشاء : فوائد انشاء - عیوب انشاء

۳۱

۵ - تخته سیاه

فصل پنجم

تشکیلات تعلیم و تربیتی دبستانها

۳۴

۱- تنظیم دستور تعلیمات دبستان

۳۵

۲- طریقه اجراء و تکمیل دستور تعلیمات : *شناسی و مطالعات فریبگی*
دوره تحصیلی دبستان - میزان استعداد و هوش شاگردان -
نوع دبستان و احتیاجات محلی *پایان علوم انسانی*

۳۶

۳- تقسیم دستور تعلیمات

۳۷

ترتیب اوقات کار دبستان

فصل ششم

مطالعه دروس

۳۹

لزوم مطالعه دروس از جانب آموزگاران

فصل هفتم

کتاب و دفتر

صفحه

۴۳

۱- کتاب

۴۴

۲- دفاتر: دفاتر تکالیف روزانه - دفتر عمومی - دفاتر مخصوص (دفتر مشق خط - دفتر نقاشی - دفتر انشاء - دفتر مطالب اخلاقی - دفتر کارهای دستی)

فصل هشتم

نظام دبستان (دیسپلین)

۴۸

۱- منظور اصلی

۴۹

۲- تنبیهات: خودداری از تنبیه - لزوم متانت در تنبیه - تناسب تنبیه با تقصیر تناسب تنبیه با احساسات شاگردان.

۵۲

۳- تشویقات شاگردان را آه آه گاه تشویق باید کرد - تشویق باید با ملاحظه و دقت صورت گیرد - تشویق باید بر دل بستگی شاگردان بکوشش و کار بیفزاید

۵۴

۴- تنبیه و تشویق جمعی

۵۵

۵- منظور اساسی از نظام مدرسه

۵۶

۶- شرائط اقتدار آموزگار:

معلم باید شاگردان را چون پدری دوست بدارد - معلم باید متین باشد - خلق و خوی معلم نباید متغیر باشد - معلم باید عادل و منصف باشد - معلم باید کار خود را با ایمان انجام دهد

فصل نهم

معاونت مدرسه و خانواده بایکدیگر

۵۹

۱- لزوم معاونت

۶۱

۲- مشکلات معاونت:

مشکلات مختلف از لحاظ تربیت بدنی - مشکلات دیگر از لحاظ تربیت روحی - مشکلات دیگر از لحاظ تربیت اخلاقی

صفحه

- ۶۳ ۳- چاره‌های کار: تعلیم خانواده‌ها - کار نامه - پرسشنامه - آگاهی نامه -
فرستادن دفاتر تکالیف نزد اولیای شاگردان.

فصل دهم

تعلیم اخلاق

- ۶۸ ۱- اهمیت تعلیم اخلاق در دبستانها
۶۸ ۲- لزوم تعلیم منظم اخلاق در دبستانها
۷۰ ۳- شرائط تعلیم اخلاق
۷۲ ۴- دستور تعلیمات اخلاق در دبستانها
۷۳ ۵- طرز تعلیم اخلاق

فصل یازدهم

تعلیم قرائت

- ۷۳ ۱- تعلیم الفبا: قواعد راجع بصدای حروف - قواعد راجع بشکل حروف
۷۷ ۲- چند سبک مخصوص در تعلیم الفبا:
سبک تعلیم الفبا بدستبازی اشکال و صور - سبک تعلیم الفبا
بالحروف متحرک
۷۸ ۳- تعلیم قرائت بشاگردان کلاس اول دبستان
۷۹ ۴- قرائت در کلاسهای اول و دوم
۸۱ ۵- قرائت در کلاسهای دیگر
۸۵ ۶- کارهایی که در تعلیم قرائت مفید است:
رونویسی - تمرینات لغوی - تکالیف دستور زبان - تکالیف انشاء

فصل دوازدهم

تعلیم خط

- ۸۷ اصول: توضیحات آموزگار - تقلید سرمشق از جانب شاگردان -
تصحیح فردی و جمعی

فصل سیزدهم

تعلیم زبان فارسی

صفحه

۹۰

۱- دستور زبان وسیلهٔ آموختن فارسی است

۹۲

۲- تعلیم دستور زبان در کلاسهای مختلف

فصل چهاردهم

درس املاء (دیکنه)

۹۳

مقصود از درس املاء :

تعلیم املائی مخصوص هر کلامه — آموختن قواعد زبان
در ضمن درس املاء

۹۴

انتخاب متن دیکنه

۹۶

تصحیح دیکنه

فصل پانزدهم

از بر کردن قطعات منتخبه

۹۷

۱- فوائد این کار :

بقوهٔ حافظه کمک می کند - بشا کردن در نوشتن انشاء
کمک می کند - استادان بزرگ تاریخ ادبی ایران را بشا کردن
معرفی میکنند - در راهنمایی شاگردان باخلاق پسندیده موثر است.

۹۸

۲- انتخاب قطعات :

باید قطعات را متناسب با سن شاگردان انتخاب کرد - قطعات
حفظی باید حتی الامکان حاوی نکات اخلاقی باشد - قطعات
حفظی باید شاگرد را بیشتر بسعی و عمل بر انگیزد نه بافکار
مبهم و تخیلات

۱۰۰

۳- بیان قطعات منتخبه

۱۰۱

۴- پس گرفتن قطعات حفظی

فصل شانزدهم

انشاء فارسی

۱۰۳

۱- اهمیت انشاء فارسی

صفحه

۱۰۴

۲- انتخاب موضوع انشاء

۱۰۶

۳- تصحیح انشاء

فصل هفدهم

تعلیم تاریخ

۱۰۸

۱- فائده تاریخ: تاریخ شاگردان را از گذشته ایران آگاه میسازد- تاریخ و وطن پرستی- تاریخ درس گذشته ایست که برای آینده بکار باید بست - تاریخ و اخلاق- تاثیر تاریخ در هوش و حافظه

۱۱۰

۲- دستور تعلیم در کلاسهای مختلف

۱۱۱

۳- طرز تدریس تاریخ:

درس تاریخ بایستی ساده و روشن و متناسب با فهم اطفال باشد- درس تاریخ در دبستان باید مختصر و ولی بار و پر معنی باشد- در کلاسهای دبستان بتاریخ تمدن ایران و عالم بیشتر توجه باید کرد- درس تاریخ را آموزگار باید نخست از خارج بیان کند- تاریخ باید از روی کتاب تدریس شود.

۱۱۳

۴- ترتیب پرسش درس تاریخ

فصل هجدهم

تعلیم جغرافیا

۱۱۵

۱- فوائد تدریس جغرافیا

۱۱۵

۲- نکات قابل ملاحظه در تعلیم جغرافیا:

درس جغرافیا باید با مشاهده آثار طبیعت و تماشای عوامل و عناصر محسوس طبیعی توأم باشد- جغرافیا باید چنان تدریس شود که شاگردان بتوانند آنچه را که معلم وصف میکند در خیال جسم کنند- درس جغرافیا باید شاگردان را بتعقل و استدلال برانگیزد

۱۱۶

۳- دستور تعلیم جغرافیا در کلاسهای مختلف

۱۱۸

۴- طرز تدریس جغرافیا

۱۲۱

۵- پرسش جغرافیا

فصل نوزدهم تعلیم ریاضیات

صفحه	
۱۲۲	فائدهٔ تعلیم ریاضیات
۱۲۳	دستور تعلیمات ریاضی
۱۲۷	درس هندسه
۱۲۷	مسائل حساب و هندسه - مقصود از دادن مسائل و طرز انتخاب آنها
۱۳۰	تصحیح مسائل

فصل بیستم تعلیم حساب ذهنی

۱۳۱	تعریف و توضیح
۱۳۱	اهمیت حساب ذهنی
۱۳۲	طرز تعلیم حساب ذهنی

فصل بیست و یکم تعلیم طبیعیات

۱۳۶	اهمیت طبیعیات : کسب معلومات و اطلاعات - ارزش معنوی تعلیم طبیعیات
۱۳۸	حد تعلیم طبیعیات
۱۳۹	دستور تعلیمات علم الاشیاء و طبیعیات در کلاسهای دبستان
۱۴۱	طرز تدریس علم الاشیاء
۱۴۲	تجارب علمی
۱۴۳	لزوم کتاب

فصل بیست و دوم تعلیم حفظ الصحه

۱۴۴	۱- اهمیت تعلیم حفظ الصحه : برای سعادت شخصی - برای خدمت بهیئت اجتماعیه - برای وطن - برای حفظ صحت عمومی بشر
۱۴۶	۲- رعایت شرائط حفظ الصحه در مدارس

- ۱۴۸ ۳- ابداعانی که اخیراً برای حفظ صحت شاگردان علین شده است
- ۱۴۹ ۴- تعلیم حفظ الصبحه باید متکی بتعلیم علوم باشد
- ۱۵۰ روز حفظ الصبحه
- ۱۵۰۰ تعلیم حفظ الصبحه بطور غیر مستقیم

فصل بیست و سوم تعلیمات مدنی

- ۱۵۲ فائده تعلیمات مدنی
- ۱۵۳ دستور تعلیمات مدنی
- ۱۵۴ طرز تدریس

فصل بیست و چهارم وظائف مدیر و معلمین وظائف معلمین در خارج مدرسه

- ۱۵۷ ۱- وظائف مدیر
- ۱۶۰ ۲- وظائف معلمین : يك نکته مهم
- ۱۶۲ ۳- وظائف معلمین در خارج مدرسه
- ۱۶۵ ۴- مدرسه باید از لحاظ دینی و سیاسی بیطرف باشد
- ۱۶۵ ۵- شورای معلمین

فصل بیست و پنجم امور تکمیلی مدرسه

- ۱۶۸ ۱- کلاسهای اکابر
- ۱۶۹ ۲- دوره تحصیل در کلاس اکابر
- ۱۷۰ ۳- خطابه های تعلیم و تربیتی
- ۱۷۱ ۴- قرائت آثار بزرگان
- ۱۷۱ ۵- کتابخانه
- ۱۷۴ ۶- انجمن حامیان دبستان

فصل بیست و ششم
تعلیمات مخصوص

صفحه

۱۷۶

۱ - تعلیم کارهای دستی و آزاد

۱۷۷

فوائد تعلیم کارهای دستی و آزاد

۱ - تاثیر آن در تربیت بدن ۲ - فائده عملی آن

۳ - فائده اخلاقی آن

۱۷۸

شرایط کارهای دستی

۱۷۹

۲ - تعلیم خانه داری در مدارس دختران

۱۷۹

تعلیم خانه داری باید مبتنی بر اصول علمی باشد

۱۸۰

تعلیم خانه داری باید با عمل توأم باشد

۱۸۲

تعلیم بچه داری

مجموعه ۲۴ فصلی از مجله تربیت
۱۹۶۵

وزارت آموزش و پرورش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی
کتابخانه تخصصی آموزشی
شماره ثبت



ثرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی